

پیروزی ترامپ بیانگر بحران و آشفتگی سرمایه‌داری



صدای انترناسیونالیستی

پس از کمپین انتخاباتی غیر متداول با سنت دموکراسی بورژوایی، ترامپ با شعار «عظمت را دوباره به آمریکا بازگردانیم» پیروز انتخابات شد. بر خلاف کمپین‌های انتخاباتی قبلی که میلیاردرها و سلبریتی‌ها معمولاً از پشت صحنه، جناح مورد نظر خود را مورد حمایت قرار می‌دادند، این بار مستقیماً وارد کارزار شدند تا تنور انتخاباتی بیشتر داغ شود. پیشنهاد لاتاری روزانه یک میلیون دلاری ایلان ماسک برای افراد ثبت‌نام‌کننده به عنوان رأی‌دهنده، حتی با قوانین دموکراسی بورژوایی نیز مشکل ساز است. پیشنهاد پول یا مزایا برای تشویق به رأی دادن یا ثبت‌نام رأی‌دهندگان می‌تواند به عنوان رشوه تلقی شود و چهره دموکراسی بورژوایی را به شدت زیر سوال می‌برد. در جبهه دموکرات‌ها، آنها به همراه رسانه‌های بین‌المللی هم‌سو، با اشاره به خطر بازگشت فاشیسم، تلاش کردند تا با هشدار درباره بازگشت احتمالی ترامپ، مردم را ترغیب کنند که از کاملاً هریس حمایت کنند.

با وجود استفاده از تمام ابزارها برای کشاندن مردم به پای صندوق‌های رأی، نرخ مشارکت در سال ۲۰۲۴ کمتر از سال ۲۰۲۰ بود. در انتخابات ۲۰۱۶، نرخ مشارکت حدود ۵۵٫۷٪ بود، به این معنی که حدود ۱۰۰ میلیون نفر در انتخابات شرکت نکردند. در انتخابات ۲۰۲۰، این نرخ به ۶۶٫۸٪ رسید، یعنی حدود ۸۰ میلیون نفر از رأی دادن صرف نظر کردند. در انتخابات ۲۰۲۴، نرخ مشارکت به ۶۳٫۱٪ کاهش یافت و تقریباً ۹۲٫۵ میلیون نفر در انتخابات شرکت نکردند. در این انتخابات، ترامپ

با کسب ۷۲,۶ میلیون رأی پیروز شد. اگرچه ترامپ در مقایسه با سال ۲۰۱۶ آرای بیشتری به دست آورد، اما به نظر می‌رسد آرای او کمتر از سال ۲۰۲۰ باشد، انتخاباتی که در آن شکست خورد. نه ترامپ و نه کامالا هریس گزینه‌های ایده‌آل جناح‌های بورژوازی آمریکا نیستند؛ به عبارتی دیگر، بورژوازی آمریکا نتوانست مانند گذشته بازی انتخاباتی را به گونه‌ای مهندسی کند که بدون جنجال هیئت حاکمه جدید را تثبیت نماید.

ترامپ، با سیاست‌های پوپولیستی، وعده‌های توخالی و بهره‌گیری از خشم و ناامیدی مردم، خود را به‌عنوان ناجی و نماینده «مردم عادی» معرفی کرد. وعده‌های او برای بهبود وضعیت اقتصادی طبقه کارگر چیزی جز تلاشی برای سرپوش گذاشتن بر واقعیت تلخ افزایش نابرابری و استثمار بیشتر نیست.

ترامپ همواره از طریق تحریک احساسات ملی‌گرایانه و با تحریک تفرقه‌های قومی، نژادی و جنسیتی سعی دارد میان گروه‌های مختلف اجتماعی اختلاف بیندازد تا همبستگی و اتحاد طبقاتی را از میان ببرد. با ایجاد تفرقه میان کارگران سفیدپوست و مهاجران، سعی کرده است توجه‌ها را از مشکلات واقعی که سیستم سرمایه‌داری به وجود آورده است منحرف کند.

سیاست‌های ترامپ علیه مهاجران، اقلیت‌ها و اقشار آسیب‌پذیر اجتماعی نه تنها به افزایش تفرقه منجر می‌شود، بلکه از آن‌ها برای سرکوب مبارزات متحدانه طبقه کارگر بهره‌برداری خواهد کرد. به‌ویژه در دوران اوج بحران اقتصادی و نابرابری‌های اجتماعی، به معنای تشدید سیاست‌های سرکوب‌گرانه و استثمار‌گرانه است.

ترامپ در دوران ریاست جمهوری قبلی خود بارها و بارها نشان داد که اولویتش منافع طبقه سرمایه‌دار است. او با کاهش مالیات برای سرمایه‌داران و شرکت‌های بزرگ و تقویت قوانین ضد کارگری، سیاست‌های روشنی در راستای خدمت به بورژوازی داشت. حال، بازگشت او به قدرت نه تنها به تداوم این سیاست‌ها خواهد انجامید بلکه سرکوب اعتراضات کارگری و اجتماعی را تشدید خواهد کرد. از سوی دیگر، نزدیکی او به چهره‌هایی مانند ایلان ماسک، که به‌صراحت با حقوق کارگران مخالفت کرده‌اند، نشان از دولتی دارد که علیه حقوق کارگران و برای منافع بی‌حد و مرز سرمایه‌داران تلاش خواهد کرد.

ترامپ در نقش یک صلح طلب ظاهر شد و ادعا کرد به جنگ او کرین پیمان می‌دهد و صلح را در خاورمیانه برپا می‌کند و ظاهراً به اسرائیل گفته است تا ورود او به کاخ سفید کار را باید تمام کند. با این حال ما شاهد افزایش تنش‌های امپریالیستی خواهیم بود نه به خاطر اینکه ترامپ انسان بی‌ثبات و ناپایداری است و معلوم نیست

دست به چه اقداماتی خواهد زد بلکه به این خاطر که اولاً تنش‌ها محصول سرمایه‌داری انحطاط یافته است و ثانیاً تنش‌ها در سرمایه‌داری انحطاط یافته، شکل مخرب‌تر پیدا کرده است. به عبارت بهتر فارغ از اینکه چه کسی ساکن کاخ سفید شود به لحاظ دیالکتیکی تنش‌ها امپریالیستی خود را بروز خواهند داد.

استراتژی آمریکا که از دوران اواما شروع شد مهار چین است. منتها هر یک از جناح‌های اصلی بورژوازی آمریکا تاکتیک‌های خودشان را برای این استراتژی دارند. ترامپ با جنگ اقتصادی و تنش مستقیم با چین سعی در مهار جاده ابریشم و پیشروی چین را داشت ولی دموکرات‌ها در دوران بایدن سیاست ایزوله کردن چین را از طریق تضعیف کشورهای نزدیک به چین چون روسیه، کره شمالی و ایران پیش بردند. جنگ روسیه- اوکراین (ناتو)، تحریم‌های بی سابقه علیه روسیه، کره شمالی و ایران در این راستا بودند. سیاست مهار چین توسط ترامپ ادامه خواهد یافت، منتها اشکال دیگری بخود خواهد گرفت. سیاست مهار چین به تشدید تنش‌های امپریالیستی منتهی خواهد شد که در بالا به آن اشاره شد.

طبقه کارگر باید دریابد که در ساختار سرمایه‌داری، چه دموکرات‌ها و چه جمهوری خواهان، همگی خدمتگزار سرمایه و نمایندگان منافع بورژوازی هستند و با انتخاب این یا آن حزب چیزی برای آنان تغییر نخواهد کرد. طبقه کارگر باید آگاه

باشد که امید به تغییر از طریق انتخابات بورژوازی بی فایده است و تنها مبارزات متحدانه و سراسری می تواند زمینه را برای تحول واقعی و پایان دادن به استثمار و ستم سرمایه داری فراهم آورد. تنها از طریق مبارزه متحدانه، خودسازماندهی و آگاهی طبقاتی است که طبقه کارگر می تواند با شرایط موجود مقابله کرده و در برابر سیاست های سرکوب گرانه ایستادگی کند.

طبقه کارگر یک طبقه جهانی است و به همین ترتیب، مبارزه طبقاتی نیز ماهیتی جهانی دارد. طبقه کارگر آمریکا، به عنوان گردانی مهم از طبقه کارگر جهانی، تنها می تواند بر حمایت و همبستگی طبقاتی کارگران سایر کشورها تکیه کنند، نه اینکه به جناح های بورژوازی برای بهبود شرایط خود امید بیند. تنها طبقه کارگر جهانی است که با مبارزه انترناسیونالیستی و طرح کیفرخواست خود علیه نظام سرمایه داری، از طریق انقلاب کمونیستی، می تواند به توحش سرمایه داری پایان داده و آینده ای روشن برای بشریت رقم بزند.

آینده متعلق به مبارزه طبقاتی است!

فیروز اکبری

۲۳ آبان ۱۴۰۳

كانال تلگرام:

<https://t.me/intvoice>

ایمیل:

contact@internationalistvoice.org

وبسایت:

www.internationalistvoice.org

ایکس (تویتر سابق):

https://x.com/int_voice